گزارش یک
جعفر تکبیری

در حالی که کشمکش‌ها میان قوه قضائیه و وزارت اطلاعات بر سر مدیران دوتابعیتی ادامه دارد، روز گذشته وزیر اطلاعات رسماً به لیست ارسالی از قوه قضائیه واکنش داد و عنوان کرد: «هیچ وقت به فردی که اقامت کشور دیگری دارد دو تابعیتی گفته نمی‌شود»؛ موضوعی که می‌توان آن را زدن مهر مختومه از سوی وزیر اطلاعات بر پرونده مدیران دوتابعیتی دانست.

درست اسفند ماه سال گذشته بود که پس از کش و قوس‌های فراوان میان قوه قضائیه و وزارت اطلاعات بر سر مدیران دوتابعیتی، محمود علوی وزیر اطلاعات رسماً عنوان کرد که در کشور «مدیر دوتابعیتی» نداریم اما پس از آن بود که قوه قضائیه لیستی ۵۳ نفره از این مدیران را برای وزارت اطلاعات ارسال کرد و سپس حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضائیه در آخرین نشست خبری خود از ارسال این لیست و عدم پاسخگویی وزارت اطلاعات خبر داد. حالا روز گذشته حجت‌الاسلام علوی وزیر اطلاعات در جمع خبرنگاران به این موضوع واکنش نشان داده و در خصوص این لیست عنوان کرد که اکثر افرادی که در این لیست ۵۳ نفره اعلامی قوه قضائیه با عنوان دوتابعیتی‌ها هستند، اقامت کشورهای خارجی را دارند نه تابعیت آنها را و هیچ وقت به فردی که اقامت کشور دیگری دارد دو تابعیتی گفته نمی‌شود.

وزیر اطلاعات در تشریح گفته خود ادعا کرد که گرین کارت تابعیت نیست و از نظر قانون داشتن گرین کارت ممنوع نیست اما ما به عنوان دستگاه اطلاعاتی روی آن حساسیت به خرج می‌دهیم. علوی سپس توضیح داده که «این موضوع در دست بررسی است و هر زمان نتیجه مشخص شود، ما به دستگاه قضایی اعلام می‌کنیم و وارد بحث‌های رسانه‌ای بی‌خاصیت و مضر این موضوعات که به اعتماد عمومی ضرر می‌زند، نمی‌شویم.»

وزیر اطلاعات سپس قاطعانه مهر مختومه بر این پرونده زد و عنوان کرد: «این آخرین صحبتی است که درباره مدیران دوتابعیتی انجام می‌دهم، چون این گونه موضوعات هیچ فایده‌ای برای جامعه و کشور ندارد و نتیجه آن سوزاندن اعتماد مردم است.» وزیر اطلاعات همچنین تصریح کرده که بحث حساسیت اطلاعاتی با بحث منع قانونی متفاوت است.

■ شروع پروژه از ماجرای خاوری

اما اصرار قوه قضائیه و انکار وزیر اطلاعات در حالی صورت می‌گیرد که حضور مدیران دوتابعیتی در سطح دستگاه‌های مختلف کشور همواره چالشی جدی بوده و از گذشته تا به امروز حضور افراد در رأس هدایت دستگاه‌های مختلف که علاوه بر گذرنامه کشورمان، تصویر و نامشان در گذرنامه کشوری دیگر نیز قرار دارد، به عنوان یک خطر جدی برای حکومت مطرح بوده است اما این موضوع زمانی رنگ‌وبوی جدی‌تر به خود گرفت که عاقبت مشکلات یک مدیر دوتابعیتی گریبان کشور را گرفت و باعث شد تحرکی جدی برای برخورد با این دست از مدیران آغاز شود.

صحبت از «محمودرضا خاوری» مدیرعامل سابق بانک ملی است که از مجرمان اصلی پرونده فساد ۳ هزار میلیاردتومانی محسوب می‌شود اما پیش از دستگیری به واسطه داشتن تابعیت کشور کانادا توانست از ایران بگریزد و بخش مهم یکی از بزرگ‌ترین پرونده‌های فساد مالی را مسکوت بگذارد. جالب آنجا بود که تلاش‌های جمهوری اسلامی ایران از طریق اینترپل برای بازگرداندن خاوری به کشور نیز تاکنون بی‌ثمر بوده و او به راحتی در کشور کانادا مشغول انجام کارهای اقتصادی خود است.

■ حساسیت نظام

تبعات حضور مدیر دوتابعیتی در رأس یکی از مهم‌ترین بانک‌های کشور و ضربه سختی که وی به بیت‌المال وارد کرد، باعث شد حساسیت‌ها به حضور مدیران دوتابعیتی در داخل کشور بیشتر از هر زمان دیگری شود. این موضوع در حالی است که قانون هم به‌کارگیری افراد دوتابعیتی در مناصب دولتی را جایز نمی‌داند. بر این اساس، در ماده ۹۸۲ قانون مدنی آمده است: اشخاصی که تحصیل تابعیت ایرانی کرده یا بکنند، از همه حقوقی که برای ایرانیان مقرر است، بهره‌مند می‌شوند لکن نمی‌توانند به مقامات زیر نائل شوند:

۱- ریاست جمهوری و معاونان او
۲- عضویت در شورای نگهبان و ریاست قوه قضائیه
۳- وزارت و کفالت وزارت و استانداری و فرمانداری
۴- عضویت در مجلس شورای اسلامی
۵- عضویت شوراهای استان و شهرستان و شهر
۶- استخدام در وزارت امور خارجه و نیز احراز هرگونه پست و مأموریت سیاسی
۷- قضاوت
۸- عالی‌ترین رده فرماندهی در ارتش و سپاه و نیروی انتظامی
۹- تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی.

این در حالی است که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با دوفوریت طرح اصلاح ماده ۹۸۲ قانون مدنی، با ۱۴۱ رأی موافق، ۱۴ رأی مخالف و ۱۲ رأی ممتنع از ۱۹۶ نماینده حاضر در جلسه موافقت کردند که بر اساس آن در بند ۹، ماده ۹۸۲ قانون مدنی، عبارت «اقتصادی» را نیز افزودند.

بر اساس مصوبه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، در پایان بند ۹ این ماده قانونی، عبارت «اقتصادی» افزوده شده و در واقع بند ۹ بدین شکل می‌شود: «تصدی پست‌های مهم اطلاعاتی و امنیتی و اقتصادی». همچنین بر اساس تبصره همین ماده: «تصدی سمت‌های فوق برای ایرانیانی که تابعیت کشورهای خارجی را اخذ کرده باشند نیز ممنوع است.»

این قانون در حالی است که پس از فرار محمودرضا خاوری و افزایش حساسیت‌ها در موضوع مدیران دوتابعیتی، دستگاه‌های مختلف پیش از انتصاب مدیران، در خصوص آنها از نهادهای امنیتی استعلام می‌گیرند و اگر آنها دارای تابعیتی مضاعف باشند از انتصاب به آن سمت منع خواهند شد. در همین حال حساسیت دیگری که چندماهی است در خصوص این مدیران به وجود آمده، پیرامون پروژه نفوذی است که رهبر معظم انقلاب بارها در خصوص آن هشدار داده‌اند؛ پروژه‌ای که بی‌شک می‌تواند با واسطه همین مدیران در کشور به ثمر بنشیند.

■ وزیر به مجلس رفت

حال به رغم تصریح قانونی در خصوص عدم‌به‌کارگیری مدیران دوتابعیتی و همچنین اخذ استعلام از نهادهای امنیتی در این خصوص، هنوز هم شایعاتی در خصوص حضور این دست از مدیران در داخل کشور وجود دارد که توانسته‌اند تابعیت مضاعف خود را از دید نهادهای امنیتی پنهان کنند؛ موضوعی که باعث شد قوه قضائیه لیستی ۵۳ نفره از این افراد را برای وزارت اطلاعات ارسال کند.

همین موضوع باعث شده نمایندگان مجلس چندین مرتبه وزیر اطلاعات را به عنوان مسئول نهاد پیگیری کننده این پرونده به مجلس احضار و از وی در کمیسیون امنیت ملی پیرامون مدیران دوتابعیتی سؤال کنند؛ سؤالاتی که به نظر می‌رسد، هیچ‌گاه پاسخی درست از سوی وزیر اطلاعات به آن داده نشده و نتوانسته سرنوشت این موضوع را یک‌بار برای همیشه روشن کند.

■ لزوم بازنگری قانون

اما در این بین نکته اصلی وجود خلأ قانونی است که باعث می‌شود مدیران دوتابعیتی از آن برای حضور در سطح مدیریت کشور سوءاستفاده کنند؛ خلئی که امروز باعث بروز اختلاف میان قوه قضائیه و وزارت اطلاعات شده است.

این خلأ قانونی مربوط به عدم ارائه تعریفی شفاف از موضوع تابعیت دوگانه است، چراکه اخذ یک تابعیت جدید نیاز به دریافت گذرنامه کشور ثانی دارد اما امروز در داخل کشور چهره‌های مختلفی هستند که اگرچه گذرنامه کشور دیگری را ندارند اما توانسته‌اند روادیدهای بلندمدت اقامت را تحت عناوین مختلفی نظیر بازرگانی، تدریس و تحصیل دریافت کنند؛ روادیدهایی که تردد آنها را در کشور مقصد بسیار آسان می‌کند.

از این رو لازم است نمایندگان مجلس با اصلاح قوانین به درستی مشخص کنند که آیا روادیدهای بلند مدت نیز شامل قانون تابعیت دوگانه می‌شود یا خیر؟

طرح: حسین کشتکار | جوان

مهر مختومه وزیر اطلاعات بر پرونده مدیران دوتابعیتی

وزیر زیر بار نمی‌رود

چهره‌ها

امروز مشکل اصلی مسائل اقتصادی است

آیت‌الله مکارم شیرازی خطاب به کاندیداهای ریاست جمهوری عنوان کرد که غیر از مسائل اقتصادی، موضوعات دیگری هم وجود دارد اما امروز مشکل اصلی مسائل اقتصادی است.

به گزارش رسا، حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید در درس خارج خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد، با اشاره به مسائل انتخابات خاطرنشان کرد: کسانی که در مناظره‌ها و برنامه‌های دیگر برای معرفی اهداف شرکت می‌کنند، سه نکته را باید مد نظر داشته باشند، اول اینکه مردم را نسبت به آینده امیدوار کنند نه اینکه سبب ناامیدی آنها شوند. وی اضافه کرد: نباید حجم مشکلات را اینقدر زیاد بیان کنند که مردم بگویند با این همه مشکلات امیدی به آینده نیست، کاندیداها باید مردم را امیدوار کنند، امید چرخ‌های اجتماع را به حرکت در می‌آورد، امید به آینده انسان را وادار به فعالیت می‌کند و یأس سبب تنبلی، بیکاری و فرار از مسئولیت‌ها می‌شود، کاندیداها به گونه‌ای با مردم صحبت کنند که نسبت به آینده امیدوار باشند. حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با بیان اینکه اگر کاندیداها می‌خواهند از یکدیگر انتقاد کنند نباید به گونه‌ای باشد که گویی همه کارهای فرد خراب است، گفت: کارهای خوب را باید بیان و سپس انتقاد کنند، بگویند که کارهای خوبی بوده و این اشتباهات نیز وجود داشته است، اینکه تنها کارهای خلاف و نقطه‌های ضعف بیان شود درست نیست.

وی افزود: سومین مسئله‌ای که معمولاً از آن غفلت شده، این است که تمام مشکلات کشور را در مسائل اقتصادی برده‌اند در حالی که مشکلات تنها اقتصادی نیست بلکه باید به موضوعات فرهنگی و اجتماعی به صورت جدی رسیدگی شود. استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه قم اظهار داشت: یکی از مسئولان در فضای مجازی اعلام کرده که ۶۰ درصد از پرونده‌های دادگستری از برخی شبکه‌های اجتماعی سرچشمه می‌گیرد، باید قول دهند که شبکه‌های مجازی را اصلاح و مسائل اخلاقی را درست کنند تا پرونده‌های دادگستری، طلاق، مواد مخدر و حیف و میل‌ها کم شود. وی ادامه داد: غیر از مسائل اقتصادی، موضوعات دیگری هم داریم، البته امروز مشکل اصلی مسائل اقتصادی است اما مشکلات مهم دیگری هم وجود دارد که تأثیرات متقابل دارند، مسائل اخلاقی و مشکلات اقتصادی در یکدیگر تأثیر دارند، امیدواریم نکات رعایت شود و بتوانیم انتخابات خوب و دشمن‌شکنی داشته باشیم.

تغییری در ترکیب مناظره ایجاد نشده است

سخنگوی کمیسیون تبلیغات انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری مستقر در سازمان صدا وسیما گفت که دو مناظره بعدی هم به همین شکل که در جمعه قبل اجرا شد به‌صورت شش نفره برگزار می‌شود.

به گزارش میزان، احسان قاضی زاده هاشمی درباره شکل مناظره کاندیداها در روز جمعه اظهار کرد: در دو مناظره بعدی هم تغییری در شکل مناظره‌ها نخواهیم داشت. وی ادامه داد: دو مناظره بعدی هم به همین شکل که در جمعه قبل اجرا شد به‌صورت شش نفره برگزار می‌شود. قاضی زاده هاشمی تصریح کرد: ما در این مناظره آن زمانبندی‌هایی را که برای حفظ عدالت و تساوی بین کاندیداها باید رعایت کنیم در نظر می‌گیریم، به این معنا که هر کاندیدایی که از وقتش کمتر استفاده کرده در این دوره، همان زمانی که حرف نزده به وقتش اضافه می‌شود.

سخنگوی کمیسیون تبلیغات انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری مستقر در سازمان صدا وسیما افزود: در جلسات‌مان روی زمان کاندیداها بحث‌هایی داریم تا برای کسانی که کمتر صحبت کرده‌اند از آن حداکثر وقت، یک زمانی را به وقتشان اضافه کنیم. قاضی زاده یادآور شد: همچنین در جلسات‌مان به‌دنبال این هستیم تا کارهای فنی‌ای انجام شود که زمان کاندیداها برای صحبت از آن وقت قانونی تعیین شده فراتر نرود.

وی اضافه کرد: در زمان پایانی مناظره اول نشان داده شد که هر کدام از کاندیداها چه وقتی را صرف کرده‌اند و همه مردم دیده‌اند کدام کاندیدا زمان بیشتری صحبت کرده است و براساس همان زمانی که ثبت شده، وقت‌های جدید برای صحبت کردن کاندیداها را اعمال می‌کنیم. وی در پاسخ به این سؤال که با توجه به اینکه حجت‌الاسلام والمسلمین روحانی در مناظره اول زمان بیشتری را صحبت کردند، آیا در مناظره دوم زمان کمتری به او اختصاص پیدا خواهد کرد؟ گفت: خیر، مابه‌التفاوت این زمان به وقت دیگر نامزدها اضافه می‌شود.

سخنگوی کمیسیون تبلیغات انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری مستقر در سازمان صدا وسیما در پاسخ به این سؤال که اگر انتخابات به دور دوم کشیده شود، برنامه‌ای برای برگزاری مناظره‌هایش دارید، گفت: در حال حاضر به این موضوع ورود نکرده و اظهار نظری در این باره نمی‌کنیم.

گزارش ۲
مهدی پورصفا

پاتک انتخاباتی ایران به تهدیدهای آل‌سعود

زمانی که رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع پاسداران دانشگاه امام حسین از تلاش برخی از کشورها برای کشاندن ناامنی به مرزهای ایران سخن گفتند، بسیاری از تحلیلگران و صاحبنظران داخلی و خارجی انگشت اتهام را به سمت عربستان سعودی به عنوان اصلی‌ترین عامل ناامنی‌ها و تحرکات داعش در سطح منطقه نشانه رفتند.

مقام معظم رهبری در سال ۹۴ و در دانشگاه جامع امام حسین به برخی خبرها مبنی بر تلاش مشترک دشمنان و برخی مسئولان سفیه منطقه خلیج‌فارس برای کشاندن جنگ‌های نیابتی به نزدیکی مرزهای ایران اشاره و تأکید کردند: پاسداران انقلاب اسلامی و همه پاسداران حریم امنیت ملی در نیروهای مسلح هوشیار و بیدارند و اگر شیطنتی صورت بگیرد، واکنش جمهوری اسلامی ایران بسیار سخت خواهد بود. حالا به نظر می‌رسد این خبرها که رهبری در لفافه به آن اشاره کردند به صراحت از سوی برخی مقامات عربستانی تکرار می‌شود که نشان از جدی بودن این کشورها در تهدید منافع ایران دارد.

در مصاحبه‌ای که اخیراً محمدبن‌سلمان جانشین ولیعهد و وزیر دفاع این کشور در گفت‌وگو با تلویزیون دولتی عربستان انجام داده است، ضمن تکرار برخی ادعاهای نامربوط نسبت به عملکرد ایران در منطقه و کشاندن آن به بحث‌های مذهبی و نژادپرستانه تأکید کرد: ریاض منتظر آمدن جنگ به درون عربستان نخواهد ماند و برای کشیده شدن نبرد به ایران تلاش می‌کند.

وی در این مصاحبه ادامه داد: ریاض توانایی آن را دارد که ظرف چند روز نیروهای شیعه حوثی در یمن را ریشه‌کن کند. با این همه، به تعبیر وی به دلیل احتمال تلفات بالا در نیروهای سعودی و شهروندان یمنی، عربستان از چنین اقدامی خودداری کرده است. چنین سخنانی از سوی کسی که به عنوان یکی از کاندیداهای احتمالی برای در اختیار گرفتن ولیعهدی عربستان از وی یاد می‌شود، دقیقاً تأکیدی بر سخنان مقام معظم رهبری است.

■ دست عربستان در پس پرده است

نکته جالب توجه اینجاست که در عرصه میدانی نیز می‌توان قرینه‌هایی برای سخنان ولیعهد عربستان یافت. شاید یکی از نمونه‌های روشن این مسئله را می‌توان در حمله چندی پیش تعدادی از تروریست‌های تکفیری به مرزهای ایران مشاهده کرد؛ حمله‌ای که با استفاده از خاک پاکستان به مرزبانان ایرانی صورت گرفت و منجر به شهادت تعدادی از نیروهای وظیفه و کادر نیروی انتظامی شد. در این میان ایران اعتراض رسمی خود را به مقامات عربستان به دلیل این حادثه ابلاغ کرده اما چه کسی است که سرمایه‌گذاری گسترده‌ای را روی گروه‌های تکفیری و افراطی در پاکستان انجام داده است؟

رهبران آل‌سعود در فضای جغرافیایی شمال پاکستان تلاش کرده‌اند با بهره‌گیری از دلارهای نفتی خود و پرداخت‌های هنگفت به دولت‌های پاکستانی زمینه‌های ایجاد چالش و ناامنی را برای ایران ایجاد کنند. در این رابطه حمایت‌های مالی رهبران آل‌سعود در طول سالیان اخیر باعث شکل‌گیری هزاران مدرسه دینی در پاکستان شد که در حقیقت به ترویج اندیشه‌های وهابی‌گری و سلفی‌گری پرداختند.

از دل این مدارس گروه‌های خطرناک و تروریستی نظیر القاعده و طالبان بیرون آمد؛ گروه‌هایی تروریستی که جنایت‌ها و فعالیت‌های تروریستی آنها در شمال شرق ایران بارها مشاهده شده است، در نتیجه یکی از فضاهای جغرافیایی بکر و عالی ایران را که امکان توسعه در زمینه‌های تجاری و اقتصادی دارد با برخی ناامنی‌ها روبه رو می‌کند، حتی در این باره یکی از مقامات ارشد سابق عربستان سعودی به این نکته اشاره کرد که هواپیماهای حمل سلاح برای معارضان در مناطق شرقی ایران از سوی دستگاه اطلاعاتی سعودی ارسال می‌شود و این کشور به دنبال ایجاد آشوب علیه ایران در این مناطق است.

■ نرم‌افزار امریکایی روی سخت‌افزار سعودی

در این میان سؤال اصلی اینجاست که چرا عربستان سعودی با وجود مخاطرات فراوان به دنبال چنین راهبردی است تا برای ایران مزاحمت ایجاد کند یا وزیر دفاع این کشور علناً از کشاندن درگیری به مرزهای ایران سخن می‌گوید.

به طور حتم سعودی‌ها می‌دانند که واکنش ایران به ادامه یافتن چنین اقداماتی بسیار قاطع و آهنین است و گستره آن بسیار وسیع می‌تواند باشد، با این حال نگاهی به سطح منطقه نشان می‌دهد بحران منطقه‌ای سعودی‌ها بسیار گسترده است، البته در پشت سر تمام این فتنه‌ها و مشکلات باید دست دخالت امریکایی‌ها را هم دید چرا که سعودی‌ها دقیقاً در مسیر برنامه‌ریزی امریکایی‌ها حرکت می‌کنند که نمونه آن تجاوز به یمن و کشتار مردم این کشور است. اگر امریکا در سال ۲۰۰۳ به‌دنبال این بود که هژمونی سلطه خودش را از طریق حضور نظامی در منطقه پیاده و امنیت و ناامنی را مدیریت کند، امروز سعی دارد با جنگ نیابتی، منطقه را به‌سمت ناآرامی و آشوب و تجزیه بکشاند. این یک امر طبیعی است. با خصومتی که این مثلث حامی تکفیر یعنی نظام سلطه به رهبری امریکا، صهیونیسم و سران ارتجاعی عرب و غیرعرب منطقه نسبت به کشورهای مستقلی چون جمهوری اسلامی ایران دارند، این امر طبیعی است. امروز در موضوعاتی مثل سوریه، این حقیقت دیده می‌شود و کشورهایی مثل عربستان سعودی، قطر و ترکیه به‌طور مستقیم وارد عمل شده‌اند.

امریکایی‌ها و دشمنان نظام و انقلاب از ابزارهای متنوعی برای به زانو درآوردن و شکستن مقاومت ملت ایران از تحریم‌های ظالمانه گرفته تا ایجاد هرج‌ومرج و ناامنی در منطقه استفاده می‌کنند. آنها می‌خواهند جمهوری اسلامی ایران دچار درگیری فرسایشی با تحولات منطقه‌ای بشود. اگرچه تاکنون جبهه دشمن در منطقه ناکام مانده است اما سعی می‌کند سمت‌وسوی حرکت خودش را به مرزهای جمهوری اسلامی ایران بکشاند.

در این میان سعودی‌ها که دستشان به خون مردم بی‌گناه یمن و عراق آلوده است، ابایی ندارند تا وارد این بازی جدید شده و به نوعی بار دیگر برای جلوگیری از توسعه بحران‌ها درونی خود به دنبال باج دادن به امریکایی‌ها باشند.

■ حضور مردم و انتخابات پرشور بزرگ‌ترین سپر مدافع نظام

طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران نیز با توجه به قدرت سخت خود با تمام قدرت در مقابل فتنه‌انگیزی‌های سعودی و کشورهای عربی مقاومت خواهد کرد و پاسخ سختی را به آنان خواهد داد، با این حال آنچه می‌تواند موضع ایران را در مقابل چنین شیطنت‌هایی به شدت تقویت کند، حضور مردم در صحنه است.

همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با کارگران به این نکته اشاره کردند، حضور مردم در صحنه بوده که خطر جنگ را از سر کشور برداشته و مهم‌ترین جلوه حضور مردم در صحنه نیز شرکت در انتخابات است. از همین رو است که می‌توان به اهمیت انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای پیش رو و نفس حضور مردم پی برد، چراکه با این حضور گسترده تمام نقشه‌های دشمنان نظام برای ایجاد نارضایتی و فاصله به طور کامل ناکام خواهد ماند، حال سعودی‌ها هر چه می‌خواهند ایران را تهدید کنند.

یادداشت
محمدصادق غلامی

دوگانه‌سازی راهبرد دولت در انتخابات

این روزها و در کوران تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری دوگانه‌سازی یکی از راهبردهای دولت است. روند دوگانه‌سازی یکی از شگردهایی است که برای نهادینه‌سازی گفتمان مدنظر مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امر را اگر بخواهیم ریشه‌ای تبیین و تحلیل کنیم به خودی خود مذموم نیست و ریشه در مبانی دینی ما دارد.

موارد متعددی از این دوگانه‌ها را در قرآن، روایات و بیانات حضرت امام خمینی(ره) و امام خامنه ای(مدظله العالی) مانند دوگانه ظالم/مظلوم، کاخ‌نشین/کوخ نشین و اسلام ناب/اسلام امریکایی شاهد هستیم اما آنچه مدنظر است دو گانه‌های غیرواقعی و کاذبی است که به بهانه‌های مختلف و بنا به اقتضائات زمانی مطرح می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱- خود را ناجی ملت جا زدن از طریق دوگانه جنگ و صلح: واقعیت این است که دولت با هدف ترساندن افکار عمومی از تبعات جنگ و آثار نامطلوب آن بر ابعاد مختلف زندگی مردم به دنبال مطرح کردن این دوگانه است. آنها ادعا دارند برجام توانست سایه جنگ را از کشور دور کند. این در حالی است که در نظام اسلامی با توجه به مردم پایه بودن آن، همه ارکان نظام به مردم متکی است و این اتکای به مردم ضامن امنیت کشور است. مقام معظم رهبری در این باره در روز یک‌شنبه ۹۶/۲/۱۰ در دیدار با کارگران فرمودند: «گاهی می‌شنویم بعضی می‌گویند یا در گذشته گفته‌اند که «وقتی ما آمدیم مسئولیت پیدا کردیم، توانستیم سایه جنگ را از سر کشور رفع کنیم»، اما این حرف‌ها درست نیست و واقعیت آن است که در تمامی سال‌های متمادی، حضور ملت در صحنه، موجب رفع سایه جنگ و تعرض از سر ایران شده است.»

۲- دوگانه‌سازی ارزشی و غیر ارزشی با هدف تحریک هیجانات اجتماعی: برقراری دوگانگی در ارزش‌ها مهم‌ترین تکیه گاه و پشتوانه دولت یازدهم برای پیگیری استراتژی دوقطبی‌سازی اجتماعی بوده است. رویه دولت یازدهم به عنوان نزدیک‌ترین دولت به دولت سازندگی در دوگانه‌سازی ارزشی برای پیش‌بردن راهبرد دوقطبی‌سازی جامعه را می‌توان انعکاسی از رویکرد دولت اصلاحات دانست چراکه در واقع این دولت رحم اجاره‌ای آنان(اصلاح‌طلبان) محسوب می‌شود.

۳- انحراف افکار عمومی از ضعف و ناکارآمدی در امور اجرایی: دوگانه‌سازی‌های کاذب با هدف هدایت افکار عمومی از توجه به ضعف و ناکارآمدی‌ها به موضوعات جانبی و فرعی است تا ناکامی در عرصه اقتصادی و معیشت به حاشیه رانده شود. دولت فعلی دو اقدام عمده برجام و طرح تحول سلامت را در کارنامه خود دارد. بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد در طرح تحول سلامت در حوزه بیمه‌ای آن، سازمان بیمه سلامت و صندوق‌های بیمه‌ای به‌دلیل اجرای ضعیف طرح و ناکارآمدی مدیریتی در آستانه ورشکستگی‌اند. پرداخت به پسابرجام برجام نیز که در این مجال نمی‌گنجد.

۴- جلب آرای مردم در ایام انتخابات: دولت دنبال تشدید فضای سیاسی کشور است. هدف از این کار نیز فراهم کردن فضای دوقطبی شدید و مظلوم‌نمایی نزد افکار عمومی و به تبع آن جلب آرای مردم است. این کار نیز از طریق دوگانه کاندیدای حاکمیتی- غیر حاکمیتی دنبال می‌شود. آنها به خوبی می‌دانند که به‌دلیل ناکارآمدی در حوزه اجرا از شانس ضعیفی برای پیروزی برخوردارند، لذا برای جبران این نقص به دنبال ایجاد و تشدید فضای دوقطبی در انتخابات هستند.

۵- دو قطبی تندرو و میانه‌رو با اهداف توجیهی در زمینه سیاست داخلی و خارجی: در این زمینه رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند: «طرز تفکری که انقلابی‌گری را مساوی افراطی بودن می‌خواند و مردم را به «تندرو» و «میانه رو» تقسیم می‌کند یکی از خطاهاست. چنین دوگانه‌هایی که سوغات بیگانگان و سخن دشمنان است نباید وارد فرهنگ سیاسی کشور شود.»(بیانات در جمع مردم- ۹۵/۳/۱۴) یقیناً بیان و نهادینه‌سازی این دوگانه در کشور یکی از مصادیق بارز نفوذ و سرکوب کردن مدافعان نظام و انقلاب به بهانه‌های واهی است. دشمنان ما که تا دیروز به دنبال فشار از بیرون و تغییر از درون بودند نباید امروز امیدوار باشند که می‌توانند ما را از درون دچار «خودتحریمی» کنند. نفوذ یعنی دشمن طوری اقدام و حرکت کند که ما از درون دچار خود تحریمی شویم.

۶- دوگانه ظالم و مظلوم با هدف فشار بر سیستم قضایی: مواردی در این چهار سال گذشته بوده که دولت محترم با صحنه‌سازی‌هایی سعی می‌کند دانه درشت‌ها از ذره‌بین قوه قضائیه پنهان بمانند. مصادیق بارز این موضوع را می‌توان در فسادهای نظام بانکی به ویژه بانک ملت، صندوق ذخیره فرهنگیان کشور، بانک سرمایه، مدیران ذخایر نظام با حقوق‌های نجومی و... مشاهده کرد.

۷- دوگانه تعامل سازنده - توسعه توان نظامی و دفاعی با هدف ترویج تفکر عدم‌نیازمندی به توسعه و استحکام توانمندی‌های دفاعی و نظامی: در اوایل انقلاب و ماجرای هواپیماهای اف ۱۴، به‌عنوان نقطه ضعفی در کارنامه دولت موقت باقی ماند. آقای روحانی در سال ۱۳۶۴، به‌عنوان رئیس کمیسیون دفاعی مجلس شورای اسلامی در این باره می‌گوید: برای استقرار صلح در یک جامعه، تنها نیروهای دفاعی نیاز نیست بلکه آمادگی جنگی باید باشد. آن وقتی دشمن می‌ترسد به ملتی هجوم آورد که بداند اگر هجوم کند مقابله به مثل می‌شود و هجوم متقابل را باید تحمل کند(روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶ آذر ۱۳۶۴).

امروز نیز رگه‌هایی از این تفکر را شاهد هستیم. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «امروز هم بعضی‌ها همین آهنگ را پیش گرفته‌اند که موشک چیست، موشک می‌خواهیم چه کار کنیم، روزگار روزگار موشک نیست!»(بیانات در تاریخ ۹۵/۱/۱۱)

۸- دوگانه ایرانیت به جای دوگانه مظلوم و ظالم: امروزه برخی به کمک مستشاری نظامی ایران به کشورهای اسلامی که مظلومانه مورد تهاجم ظالمان قرار گرفته‌اند خرده گرفته و فلان مفسد اقتصادی پشتیبان دولت با گستاخی تمام و در مجامع عمومی ماهیت عمل کار شهدای عزیز مدافع حرم را زیر سؤال می‌برد! برای اینان البته به ظاهر آنچه اولویت دارد پرداختن به مسائل داخلی نظام است. تحلیلشان این است که به ما چه یک مسلمان در سوریه، عراق و یمن مورد تهاجم و ظلم قرار گرفته است، البته در عوض جان شهروندان اروپایی و کشورهای کمک‌کننده به شکل‌گیری جریان‌های تروریستی در منطقه آسیای غربی مهم است. شاید منطق آنها همان منطق دوران جاهلیت باشد. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: ما نمی‌گوییم «اُنصُر اَخاکَ ظالِماً اَوْ مَظلوما» -این شعار جاهلی است، می‌گفتند اگر برادرت ظالم هم هست یا مظلوم است، باید از او دفاع کنی و حمایت کنی، نخیر، ظالم هر کسی بود باید با او مقابله کرد و جلوی ظلم او را گرفت، مظلوم هر کسی هست باید از او حمایت کرد(بیانات در تاریخ ۹۴/۰۲/۲۶).

گزیده خبر

شورای نگهبان «سخنگو» را به‌عنوان مرجع انتشار اخبارش اعلام کرد

شورای نگهبان در اطلاعیه‌ای روابط عمومی یا سخنگوی این نهاد را به عنوان مرجع اخبارش اعلام کرد.

روابط عمومی شورای نگهبان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مباحث مرتبط با شورای نگهبان تنها از سوی سخنگو یا روابط عمومی به آگاهی می‌رسد و هرگونه انتشار مطلب از سوی افراد دیگر فاقد اعتبار است. در اطلاعیه شورای نگهبان آمده است: به اطلاع مردم مؤمن و شریف ایران می‌رساند؛ مباحث مرتبط با شورای نگهبان تنها از سوی سخنگوی محترم این نهاد یا اداره کل روابط عمومی به آگاهی می‌رسد و هرگونه اظهارنظر یا انتشار مطلب از سوی افراد دیگر موضع رسمی شورای نگهبان نبوده و فاقد اعتبار است.

این اطلاعیه تصریح می‌کند: بررسی صلاحیت داوطلبان ریاست‌جمهوری در جلسه عمومی و غیرعلنی شورای نگهبان انجام می‌شود و به دلیل محرمانه بودن مذاکرات، جریان آن نیز منتشر نمی‌گردد.